

#### خبر

## جایزه جلال ستاری، برندگان خود را شناخت



**بخش فرهنگی** – جایزه جلال ستاری به دو پژوهشگر ایرانی و یک پژوهشگر خارجی که در زمینه نمایش‌های آیینی و سنتی فعالیت می‌کنند، تعلق گرفت.

به گزارش خبرنگارانین، شامگاه پنجشنبه نهم شهریور، در پایان سمینار پژوهشی جشنواره نمایش‌های آیینی و سنتی، جایزه جلال ستاری به پرویز ممنون، نویسنده، کارگردان و پژوهشگر، حمیدرضا اردلان، محقق آیین‌های نمایشی و ژاک تروودو، دبیر سابق یونیمای جهانی اهدا شد.

جلال ستاری به دلیل بیماری نتوانست در زمان اهدای این جایزه حضور داشته باشد و لاله تقیان، همسر او هم در پاسخ به درخواست برگزارکنندگان برای حضورش در این مراسم گفت: «جازه بدهید من در کنار ستاری باشم چون او در این لحظات به من بیشتر احتیاج دارد. من باید از او محافظت کنم تا برای فرهنگ و هنر ایران بماند.»

ستاری در پیام کوتاهی به این مراسم از برگزار کنندگان آن تشکر کرد. در متن پیام او آمده است: «جهان عرصه تنوع فرهنگ‌هاست و تلاش برای پیوند میان فرهنگ‌ها، راهگشای توسعه اجتماعی است. کوشش شما را می‌ستایم و برای همه آرزوی موفقیت دارم.»

پرویز ممنون که یکی از دریافت‌کنندگان جایزه ستاری بود، در ایران حضور نداشت و داود فتحعلی‌بیگی، دبیر جشنواره، تندیس و لوح افتخار را به نیابت از او دریافت کرد. فتحعلی بیگی در هنگام دریافت این جایزه گفت: «من افتخار شاگردی دکتر پرویز ممنون را داشتم و پایان‌نامه لیسانس من هم درباره تعزیه بود. این جایزه را به امانت می‌گیرم و حتما به دست ایشان خواهم رساند.»

پرویز ممنون، نویسنده، پژوهشگر، بازیگر و کارگردان تئاتر است که سال‌ها رییس دیارتمان تئاتر دانشگاه تهران بود و شاگردان زیادی را تربیت کرد. او از دولت اتریش نشان پرفسوری دریافت کرده و در معرفی نمایش‌های سنتی ایران به دنیا فعالیت‌های زیادی انجام داده است.

ژاک تروودو، دبیر سابق یونیمای جهانی هم جایزه خود را از محمدحسین ناصربحث، دبیر سمینار پژوهشی جشنواره دریافت کرد. تروودو پس از گرفتن این جایزه این اتفاق را غیرمنتظره دانست و گفت: «من دوستان زیادی در ایران دارم که همگی انسان‌های فوق‌العاده‌ای هستند. این جایزه برای من خیلی دور از انتظار و غیرمنتظره بود.»

این پژوهشگر، هشت سال دبیر کل یونیمای جهانی بود و به مدت چهار سال ریاست کمیسیون میراث یونیمو را برعهده داشت. او زندگی خود را وقف اعطای هنر نمایش به‌ویژه نمایش‌های آیینی سنتی در سراسر دنیا کرده است.

حمیدرضا اردلان، دیگر دریافت‌کننده جایزه ستاری که تندیس و لوح افتخارش را داود فتحعلی‌بیگی و پیمان شریعتی به او اهدا کردند، در هنگام دریافت جایزه گفت: «جلال ستاری بعد از انقلاب در خانه نشست و حدود یکصد کتاب نوشت و ترجمه کرد. بسیاری از بزرگان فرهنگ جهان را که ما نمی‌شناختیم، او به ما معرفی کرد. بسیاری از متون را که مباحثی نو در زمینه اسطوره‌شناسی بود، او به ما شناساند. یکی از افتخارات زندگی من این است که اسدم در کنار ستاری به عنوان شاگرد و شاگرد شاگرد ایشان بیاید. یکی از محبوب‌ترین روشنفکران ایران جلال ستاری است و به دلیل جدیت و متانت ایشان نسل جدید از روشنفکران پاگرفتند. چیزی شبیه نقشی که فردوسی در ادوار ایران داشت اما ستاری بدون سروصدا کار کرد.»

ردلان طی سه دهه مجموعه‌ای گسترده از میراث آیین‌های نمایشی و موسیقایی را گردآوری کرده است.

در پایان این مراسم، ناصربحث ابراز امیدواری کرد این سمینار در آینده به صورت مستقل فعالیت خود را ادامه دهد و پیوندی بیشتر با پژوهشگران خارجی برقرار کند.

او همچنین با اشاره به جایزه ستاری توضیح داد: «این جایزه از سوی یک NGO اهدا می‌شود که کانون نمایش آیینی سنتی و جشنواره و سمینار وظیفه خود می‌دانند که از ابتدای شکل‌گیری این جایزه از آن کاملا حمایت کنند.امیدوارم این بنیاد آنقدر رشد کند که مناسبت‌هایی مانند این سمینار را هم خود به صورت مستقل برگزار کند.»

## «سد معبر» ایران در «بوسان»

**بخش فرهنگی** – فیلم سینمایی «سد معبر» ساخته محسن قربایی در بخش رقابتی جریان‌های جدید بیست و دومین جشنواره فیلم بوسان اولین حضور جهانی‌اش را تجربه می‌کند. به گزارش ایسنا، بیست و دومین دوره جشنواره بین‌المللی بوسان از تاریخ ۱۲ تا ۲۱ اکتبر (۲۰ تا ۲۹ مهرماه) در کشور کره جنوبی برگزار می‌شود.

فیلم «سد معبر» که در جشنواره‌ی اخیر فیلم فجر به نمایش درآمد توسط بهمن کامیار تهیه شده است و رضا مرتضوی در آمریکا موسیقی آن را ساخته است.

در این فیلم که نویسندگی آن را سعیدروستایی برعهده دارد،حامدبهداد،باران کوثری ، نادرفلاح، اکبررحمتی، اوشرفی،عرفان ناصری، مرتضی آقاחסینی،بهرام سروری‌نژاد، سجادرحیمی،غلام‌علی رضایی،فتح‌الله طاهری،مهدی میری و نگار عابدی،علیرضا کمالی،کییتی قاسمی،حسام محمودی، بازیگرخردسال؛ رونیکاعنمت‌الله و باحضور محسن کبیایی به ایفای نقش پرداخته‌اند.

این فیلم داستان قاسم کارمند اداره سدمعبر شهرداری را روایت می‌کند که درتلاش است وضعیتِ زندگی خود را بهبود ببخشد،اما در این راه با نرگس همسرش اختلافِ نظر دارد.

## {فرهنگ و هنر }

### گفت و گو با رامین ناصر نصیر درباره حضور کم‌رنگش در «شهرزاد۲»

# سریال‌سازی افت کرده است

**نژلا پیکانیان**
رامین ناصرنصیر در سریال «گمشدگان» در نقشی متفاوت ظاهر شده است، شخصیتی که به زعم خودش پیش از این شبیه‌اش را هم بازی نکرده است. او این روزها علاوه بر این سریال تلویزیونی در «شهرزاد» هم حضور دارد، ناصرنصیر که در فصل اول «شهرزاد» با شخصیت هوشنگ به مخاطبان معرفی شد از ابتدای فصل دوم در این سریال حضور نداشت و خیلی از بیننده‌ها فکر می‌کردند این شخصیت از به یکباره از قصه حذف شده است اما از قسمت ششش به بعد هوشنگ دوباره وارد ماجراهای قصه «شهرزاد» می‌شود.

ناصر نصیر در گفتگو با خبرنگارانین، پاسخگوی تمام سئوالاتی بود که در این مدت برای مخاطبان پیش آمده است و درباره «گمشدگان» نیز حرف‌های جالبی زده است.

◆ **مدتی بود در تلویزیون نسبت به قبل کم‌کارتر شده بودید. اما این روزها با سریال «گمشدگان» بازگشتید. این سریال برایتان چه ویژگی داشت که در آن حضور پیدا کردید؟**
سال گذشته در «دورهمی» بودم و در شبکه نمایش خانگی هم «شهرزاد» را داشتم اما به نظرم نه تنها کم‌کاری من بلکه دلیل کم‌کاری خیلی از دوستان دیگر بازیگرم به خود تلویزیون بر می‌گردد. چند سالی است که حجم تولیدات تلویزیون نسبت به قبل خیلی کمتر شده است و دلیلش هم بحران اقتصادی است که وجود داشته است. حضور من در تلویزیون بیشتر به برنامه‌های نود شبی طنز مربوط می‌شد که اساسا بساط این برنامه‌ها برچیده شد. از طرف دیگر سریال‌سازی بیشتر به مناسبت‌هایی مثل نوروز و ماه رمضان محدود شده بود و همین اتفاق هم منوط به این بود که اسپانسر ی بیاید و پولی بگذارد تا کاری ساخته شود. هم به لحاظ کمی و هم کیفی اوضاع تلویزیون افول کرده بود. البته طبیعی است که وقتی پای اسپانسر وسط است، آن حامی در وهله اول تبلیغ محصول‌اش برایش مهم است و چون کارشناس این حوزه نیستند همان تبلیغ هم احتمالا به سطحی‌ترین شکل ممکن انجام می‌شود و خیلی وقتها هم به کیفیت هنری کار لطمه وارد می‌شود. ضمن اینکه تولیدات خوب تلویزیون هم در چند سال اخیر کاهش پیدا کرده بود و به جز من هم حضور خیلی از همکاران دیگر هم در سریال‌های تلویزیون کمتر شده بود و فعالیت‌شان در سینما، تئاتر و یا نمایش خانگی بیشتر شده بود. من هم از این قضیه مستثنی نبودم و بیشتر در تئاتر، نمایش خانگی و تا حدی هم سینما فعال بودم.

◆ **نقش متفاوتی در سریال «گمشدگان» دارید، به دلیل منفی بودن این شخصیت آن را قبول کردید؟**

بله، متفاوت بودن این شخصیت برابرم مهم بود. ولی من خیلی به شکل مثبت و منفی به نقش‌ها نگاه نمی‌کنم چون اساسا آدم‌ها نسبی‌اند. ولی این شخصیت متفاوت بود، در واقع این نقش ویژگی‌هایی داشت و کارهایی را انجام می‌داد که من در زندگی خودم که هیچ، در سینما هم به عنوان بازیگر آنها را انجام نداده‌ام، اینکه کتک‌کاری کنم، آدم بکشم و یا بچه بزدلم. من این فضا را به عنوان بازیگر هم تجربه نکرده بودم و این موضوع برای هر بازیگری جذاب است که فضای متفاوتی را تجربه کند.

◆ **محوریت قصه سریال «گمشدگان» اعتیاد و عواقب آن است و در خلل قصه به مسائل اجتماعی دیگر از جمله کودک‌آزاری و کودک دزدی که در این چند وقت موارد زیادی هم شاهدش بودیم که حتما شما هم در جریانش هستید. شما به عنوان یک بازیگر چقدر دغدغه حضور در کارهای را دارید که به مسائل روز جامعه و معضلات اجتماعی می‌پردازند را دارید؟**

خیلی زیاد، علاوه بر اینکه برای من به عنوان بازیگر حول موضوعی کار کنیم که معضل روز جامعه است مهم است، به نظرم این قضیه برای تماشاگر هم می‌تواند دلیل جذابیت باشد. ما فیلم و سریال‌هایی که حتی در قسمت‌های طولانی هم پخش می‌شوند اما دیده نمی‌شوند زیاد داریم. مثلا کاری که در ۵۰ قسمت ساخته و چون ساخته شده باشد پخش شود ولی دیده نمی‌شود. دلیل این موضوع هم به نظرم این است که برخی از این کارها داستان زندگی‌هایی را تصویر می‌کنند که کمترین ارتباطی با مسائل روز جامعه ندارند، انگار آدم‌هایی که در این قصه می‌بینیم در جامعه زندگی نمی‌کنند و مسائل و

مشکلات را نمی‌بینند و در یک فضای فرضی هستند. وقتی تماشاگر خودش را در قصه

نمی بیند خیلی هم جذب داستان نمی‌شود. حتی گاهی اوقات کارهایی که موفق به جذب تماشاگر می‌شوند به لحاظ کیفی شاید کارهای متوسطی باشند ولی موضوع کار موضوعی است که مثل آیینهای مقابل مسائل اجتماع است و تماشاگر می‌تواند شرایط زندگی خودش را در آنها ببیند، بنابراین برای او جذاب است، قصه‌شان را دنبال می‌کند و می‌تواند با آنها ارتباط برقرار کند. به همین نسبت برای من بازیگر هم همینطور است، وقتی کاری به من پیشنهاد می‌شود که احساس می‌کنم با مسائل روز جامعه در ارتباط است طبیعتا برابرم خیلی جذاب است، به خصوص اینکه برخی قصه‌ها راجع به بحران‌هایی است که خیلی خطرناک هستند و واقعا در جامعه زنگ خطر هستند. خیلی از مسائل که حتی ربطی به ارزش‌های مذهبی هم ندارند مسائلی‌اند که برای همه انسان‌ها به عنوان ارزش صرف نظر از اینکه فرهنگ و مذهبشان چیست تلقی می‌شود. در جامعه ما اتفاق‌های زیادی می‌افتد و متأسفانه حساسیت‌های همه ما نسبت به آنها کم شده است. ما خیلی از اتفاق‌ها را به عنوان خبر می‌شنویم و به هيجانمان می‌آورد، دنبالش می‌کنیم ولی آنقدری که باید از این اتفاق‌ها متأثر نمی‌شویم. اوضاع الان طوری شده که ما زمین می‌خوریم، می‌افتیم ولی دردمان نمی‌آید. انگار که جامعه با

سرعتی باورنکردنی در شبیی افتاده که معلوم نیست انتهایش به کجا ممکن است ختم شود. متأسفانه در طول یک ماه ۷-۸ ماجرا داشتیم، هر کدام از این موارد در جامعه‌ای اتفاق بیفتد به عنوان یک زنگ خطر به ان نگاه می‌کنند و جامعه شناسان، روانشناسان و مسئولان سیاسی و فرهنگی آسیب‌شناسی‌اش می‌کنند و به این فکر می‌کنند که چطور می‌توانند جلوی این اتفاق‌ها را بگیرند و برایش چاره‌اندیشی می‌کنند. اما اینجا هر اتفاقی در حد خبر مطرح می‌شود تا برای هم تعریف کنیم و پست اینستاگرام بگذاریم. بعد از مدتی هم ماجرا فراموش می‌شود. نمی‌گویم سریال ساختن به حل و برطرف شدن همه این مشکلات کمک می‌کند اما کاری است که از دست ما برمی‌آید، بقیه هم باید کار خودشان را درست انجام دهند که متأسفانه انجام نمی‌دهند.

◆ **شخصیت هوشنگ در فصل دوم سریال «شهرزاد» کم‌رنگ شد و مخاطب احساس کرد تا قبل از قسمت پنجم این سریال این شخصیت به یکباره از قصه حذف شده، دلیل این اتفاق چه بود؟**

دلیل این اتفاق کاملا شخصی بود، پارسال که دوستان می‌خواستند کار را شروع کنند، من از کمی قبل‌ترش دچار بیماری شده بودم که بخاطرش مدتی در بیمارستان و بعد هم در منزل بستری بودم. زمانی که تصویربرداری فصل دوم شروع شد من در اوج بیماری‌ام بودم و واقعا در شرایطی نبودم که بخواهم کار کنم و حتی از خانه خارج شوم. به همین دلیل از آقای فتحی عذرخواهی و خواهش کردم که نقشم را از سریال حذف کنند. ایشان هم گفتند چون متن سریال نوشته شده است امکان اینکه به کلی شخصیت را حذف کنیم وجود ندارد ولی سعی می‌کنیم تا جاییکه می‌شود مختصرترش کنیم و تنها جاهایی که حضور هوشنگ خیلی ضروری و پیش‌برنده قصه است و نبودش به قصه لطمه می‌زند داشته باشیم. عملا هم همین کار را کردند، ولی یکی دو ماه که گذشت شرایط من کمی بهتر شد و می‌توانستم به کار برگردم. آقای فتحی هم گفتند حالا که بهتر شدی و می‌توانی باشی حیف است که نیایی. به همین خاطر حضورم تا قسمت ششم فقط همان یک سکانس در قسمت اول است اما از قسمت شش به بعد دیگر حضور داشتم و از ظاهرهم هم مشخص است که تازه از بستر بیماری آمده‌ام و خیلی لاغر هستم.

◆ **الان که خدا را شکر سلامت هستید و بیماری‌تان برطرف شده است؟**
بله، برطرف شده است.

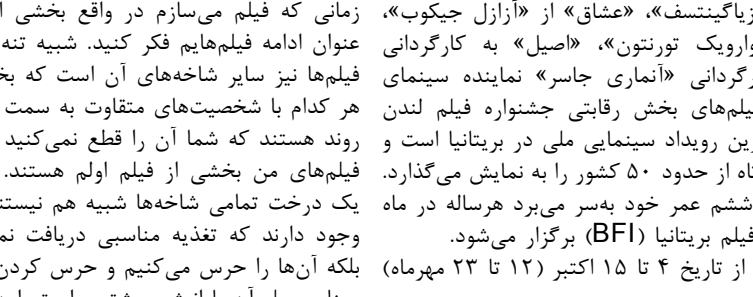
◆ **بخشی از بار طنز سریال «شهرزاد» روی دوش شخصیت هوشنگ بود، در «فصل دوم» هم همین ویژگی‌ها را در هوشنگ می‌بینیم؟ شخصیت او نسبت به فصل اول که تغییری نکرده است؟**

نه تغییری نکرده است و شخصیت همانند فصل اول است. یک مقدار ماجراهای جدید هم برایش اتفاق می‌افتد که در قسمت‌هایش اخیر شاهدش هستیم.

## رونمایی از آخرین ساختهی مجید مجیدی در جشنواره لندن

بود: «این فیلم دیالوگ‌های انگلیسی بسیار کمی دارد و بخش عمده آن به زبان هندی است به همین دلیل بیشتر عوامل ساخت فیلمم را منحصرا از هند انتخاب کردم، چرا که آنها به خوبی با فرهنگ اینجا آشنایی دارند و این به من کمک

فراوانی می‌کند. تنها یک یا دو نفر از عوامل فیلم ایرانی هستند که یکی از آنها مترجم من است. از آن جایی که تیم سازنده فیلم همگی هندی هستند به ما کمک می‌کند تا طرح داستانی ارگانیک ایجاد کنیم. در طول این سال‌ها چندین سفر به هند داشته‌ام و برای این فیلم نیز به هند رفت و آمد داشتم تا پیش از آغاز کار به بررسی همه چیز در اطرافم بپردازم. در این فیلم تمرکز ویژه‌ای روی بمبئی داشته‌ام و زمانی که فیلم ساخته شود می‌توانید این شهر را از زوایای گوناگون ببینید.»
این کارگردان همچنین مطرح کرده بود: «پشت ابرها» ادامه فیلم‌هایی است که پیش از این ساخته‌ام. هر زمانی که فیلم می‌سازم در واقع بخشی از یک کل است. به فیلم جدیدم به عنوان ادامه فیلم‌هایم فکر کنید. شبیه تنه درخت که شاخه اصلی است و سایر فیلم‌ها نیز سایر شاخه‌های آن است که بخشی از کل درخت هستند با این که هر کدام با شخصیت‌های متفاوت به سمت و سوی متفاوتی می‌روند. فیلم‌ها یک روند هستند که شما آن را قطع نمی‌کنید و چیز دیگری بسازید. همچنین همه فیلم‌ها من بخشی از فیلم اولم هستند. در اینجا یک قیاس وجود دارد. در یک درخت تمامی شاخه‌ها شیهه هم نیستند و قدرت یکسانی ندارند. شاخه‌های وجود دارند که تغذیه مناسبی دریافت نمی‌کنند اما ما آنها را قطع نمی‌کنیم بلکه آن‌ها را حرس می‌کنیم و حرس کردن به معنای رها کردن آنها نیست و به معنای مملو آن با انرژی بیشتری است. این انرژی در آن جریان می‌یابد و به ما ایده می‌دهد که کل درخت را چگونه بیاریم و آن را قوی‌تر و باثبات‌تر کنیم.»



مجید مجیدی پیش از این در گفت‌وگویی مشروحی درباره ی فیلمش گفته

شنبه ۱۱ شهریور ۱۳۹۶

#### خبر

## نصب کاشی ماندگار بر سردر خانه محمود دولت‌آبادی



**بخش فرهنگی** – نصب «کاشی ماندگار» با تلاش سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری به خانه خالق «کلیدر» رسید تا خانه «محمود دولت‌آبادی» نیز به نقشه فرهنگی گردشگران اضافه شود.

مدیر روابط عمومی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری در این‌باره به ایسنا گفت: دو روز قبل چهارشنبه هشتم شهریور کاشی ماندگار سردر دو خانه متعلق به محمود دولت‌آبادی نصب شد، که یکی از آن‌ها در منطقه کردان و دیگری در شهر تهران است. پوریا سوری با اشاره به لزوم ارج‌گذاشتن به شخصیت‌های فرهنگی مانند محمود دولت‌آبادی، اظهار کرد: با توجه به این‌که خانه این نویسنده در منطقه کردان یکی از مکان‌هایی است که او برخی از آثار خود را در آن‌جا می‌نویسد به همین دلیل «کاشی ماندگار» سردر این خانه نیز نصب شده است.

محمود دولت‌آبادی، متولد ۱۰ مرداد ۱۳۱۹ در دولت‌آباد سبزوآر، آثاری مانند رمان‌های «کلیدر» و «جای خالی سلوچ» را نوشته است، او همچنین نگارش چندین نمایشنامه و فیلمنامه و سابقه بازیگری در تئاتر و سینما را در کارنامه خود دارد. آثار دولت‌آبادی به زبان‌های گوناگونی ترجمه شده و چندین فیلم در ایران با اقتباس از آثار او ساخته شده است. این نویسنده معاصر در سال ۲۰۱۳ برنده جایزه ادبی «یان میخالسکی» سوئیس شد و در سال ۲۰۱۴ نیز جایزه «شوالیه ادب و هنر فرانسه» را دریافت کرد. این اواخر «کاشی ماندگار» بر سردر خانه‌های چهره‌هایی همچون مسعود آذرنوش، شهریار عدل، عثمان محمدپرست، محمدعلی سپانلو، قیصر امین‌پور، داوود رشیدی و احترام برومند نصب شده است.

## «کابوس‌ها»ی آلبر کامو، هاینریش بل و دورنمات خواندنی شد

**بخش فرهنگی** – «کابوس‌ها» شامل ۱۲ نمایشنامه رادیویی از ولفگانگ وایراوخ، آلبر کامو، اینگیبورگ باخمان، فریدریش دورنمات، هاینریش بل و گونتر آیش، با گردآوری و ترجمه علی امینی‌نجفی، منتشر شد.

به گزارش مهر، کتاب نمایشنامه‌های رادیویی «کابوس‌ها» توسط علی امینی نجفی ترجمه شده است. علی امینی نجفی که پیش از این ترجمه کتاب‌های موفق «با آخرین نفس‌هایم» و «تئاتر مدرن اروپا» را در کارنامه خود دارد، این بار به گردآوری مجموعه شاخصی از نمایشنامه‌های رادیویی مطرح با نویسندگی ولفگانگ وایراوخ، آلبر کامو، اینگیبورگ باخمان، فریدریش دورنمات، هاینریش بل و گونتر آیش، پرداخته است.

یکی از نویسندگان کتاب «کابوس‌ها» آلبر کامو نویسنده کتاب مشهور بیگانه و برنده نوبل ادبیات است. آلبر کامو که با نمایشنامه کمتر شناخته شده «سکوت پاریس» در کتاب «کابوس‌ها» حضور دارد، در برخورد با نمایش رادیویی از ویژگی اصلی این رسانه تازه، یعنی عنصر آوایی، به خوبی آگاه است و بر آن تأکید می‌کند. این نمایش بارها، به ویژه در مناسبت‌های تاریخی، اجرا شده و پخش رادیویی آن همراه با موسیقی و صداهای زمینه بین ۵۰-۶۰ دقیقه بوده است.

در کتاب «کابوس‌ها» نمایشنامه‌های شاخصی وجود دارد که نمایشنامه «رویاها» نوشته گونتر آیش از جمله آن‌هاست. «رویاها» در شمار معروف‌ترین آثار آیش است. این اثر در اصل شامل پنج نمایش شنیداری است و در ۱۹۵۰ به نگارش درآمد و در سال‌های بعد با اشعاری به هم پیوند یافت. آیش «رویاهای پنجگانه» را اثری مستقل و یگانه می‌دید که تصویری همه جانبه از وضع زمانه را در پنج قاره بازتاب می‌دهد.

نمایش رادیویی در ظاهر نزدیکی‌های زیادی با تئاتر دارد، زیرا هر دو با کلام یا گفتاری شکل می‌گیرند که میان نقش‌ها رد و بدل می‌شوند، اما نمایشنامه‌نویسانی که با این برداشت به رادیو روی آوردند، به زودی دریافتند که میان تئاتر و رادیو تفاوت‌های چشمگیری هست. مهم‌ترین علت آن است که تئاتر در صحنه‌ای حقیقی و مشخص شکل می‌گیرد، در حالی که رادیو یکسره به صدا، یعنی دنیای مجازی تعلق دارد. کتاب «کابوس‌ها» نمونه بارزی از این توصیف است. در این کتاب خواننده با استفاده از قوه تخیل خود، تصویری ذهنی از داستان‌ها می‌سازد، که خود این موضوع نیز بر کشش افراد نسبت به داستان‌ها می‌افزاید.

کتاب «کابوس‌ها» از سوی نشر چتر در ۳۳۱ صفحه با قیمت ۲۱ هزار و ۵۰۰ تومان منتشر و روانه کتابفروشی‌ها شده است.